

معناداری اثربخشی آموزش والدین کودکان نافرمان بر روش‌های فرزندپروری مادران و مشکلات رفتاری کودکان*

The Efficacy of “Parenting the Strong-Willed Child” Program for Mothers’ Parenting Practices and Children’s Behavioral Problems

H. Haji Seyedrazi, M.A. ✉

M. Azkhosh, Ph.D.

K. Tahmasian, Ph.D.

M. Bayat, M.A.

A. Biglarian, Ph.D.

حمیده حاجی سیدرضی ✉

کارشناس ارشد مشاوره خانواده

دکتر منوچهر ازخوش

عضو هیأت علمی گروه مشاوره دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

دکتر کارینه طهماسیان

عضو هیأت علمی پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

مریم بیات

دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

دکتر اکبر بیگلریان

عضو هیأت علمی گروه آمار دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

دریافت مقاله: ۸۸/۷/۲۵

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۱/۸/۲۱

پذیرش مقاله: ۹۱/۱۰/۳

Abstract

The efficacy of a parent-training program based on “Strong Willed Children” for promoting mother’s parenting practices and decreasing children’s behavioural problems was examined among families with 4-6 years old children.

✉Corresponding Author: Department of Counseling, University of social welfare and rehabilitation sciences, Tehran, Iran.

Tel: +9821-22180061

Email: hseyedrazi62@gmail.com

چکیده:

به منظور بهبود روش‌های فرزندپروری مادران و کاهش مشکلات رفتاری کودکان بر اساس برنامه «فرزندپروری کودک نافرمان» (لانگ و فورهند، ۲۰۰۲) مطالعه‌ای شبه‌آزمایشی از نوع گروه‌های نامعادل انجام شد.

*این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد نویسنده است.

✉نویسنده مسئول: تهران، اوین، خیابان کودکان، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، گروه مشاوره

تلفن: ۰۲۱-۲۲۱۸۰۰۶۱

پست الکترونیکی: hseyedrazi62@gmail.com

A sample of 25 volunteer mothers (mean age=30) and their children from play houses were collected and assigned into intervention (n=13) and comparison (n=12) groups. Parents completed measures of Children's Reports of Parental Behavior Inventory (CRP-BI; Margolies & Weintraub, 1977;) including three dimensions of acceptance/rejection, psychological autonomy/psychological control, firm control/permissive control; and Eyberg Child Behavior Inventory (ECBI; Eyberg & Ross, 1978). Intervention group participated in a 6-session of Parent training program weekly. The results showed that Parent training program significantly improved the parenting practices and firm control of mothers in experimental group. No significant differences was found in other dimensions of parenting practices and children's behavioural problems among two groups. Explanations for obtaining different outcomes for behavioural problems and some dimensions of parenting based on cultural differences, measurements and length of the programme were discussed.

Keywords: "parenting the strong-willed child" program, parenting practices, children's behavioral problems.

گروه نمونه شامل ۲۵ مادر (میانگین سنی ۳۰ سال) مراجعه‌کننده به خانه‌های سلامت و اسباب‌بازی منطقه ۱۰ شهرداری تهران، دارای کودک ۴-۶ سال و داوطلب شرکت در پژوهش بود که به دو گروه (آزمایش ۱۳ و گواه ۱۲ نفر) تقسیم شدند. در مرحله پیش‌آزمون، دو گروه سیاهه رفتاری والدین و نیز سیاهه رفتاری کودک آبیگر را تکمیل کردند. ۶ جلسه برنامه آموزش والدین در طول ۲ ساعت برای گروه آزمایش اجرا شد. نتایج حاصل از مقایسه میانگین پس‌آزمون گروه‌ها با تحلیل کوواریانس، نشان داد برنامه آموزش والدین، بهبود روش‌های فرزندپروری و بعد کنترل قاطعانه مادران گروه آزمایش را به دنبال داشت. تفاوت معناداری در دیگر ابعاد روش‌های فرزندپروری و مشکلات رفتاری کودکان بین گروه‌های آزمایشی و گواه مشاهده نشد. یافته‌های پژوهش بر پایه مفهوم روش‌ها و ابعاد فرزندپروری، نقش تفاوت‌های فرهنگی، شیوه و مؤلفه برنامه‌های آموزش والدین و نیز عامل زمان و ابزار مورد بحث قرار گرفته‌است.

کلیدواژه‌ها: برنامه "فرزندپروری کودک نافرمان"، روش‌های فرزندپروری، مشکلات رفتاری کودکان

بررسی رابطه باورهای جنسیتی و عملکرد خانواده دانشجویان فارس و کرد

An Study on the Relationship Between Gender Believes and Family Function of Kourd and Fars Students

S. Khani Majd, M.D. ✉

T. Pourebrahim, Ph.D.

J. Fathabadi, Ph.D.

صدیقه خانی مجد ✉

کارشناس ارشد مشاوره خانواده

دکتر تقی پوراابراهیم

استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر جلیل فتح آبادی

استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۸۹/۴/۳۰

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۱/۷/۱۰

پذیرش مقاله: ۹۱/۸/۲۱

Abstract

The main purpose of this research was to study comparatively the relationship between gender beliefs and the family function of Kurdish and Fars students. Correlational research method was employed in order to examine the relationship between variables. 200 students from each ethnicity (100 male 100 female) and in total 400 students were selected from university of Kermanshah and Shahid beheshti University based on convenience sampling.

Respondents completed Bem Sex Roles Inventory (Bem, 1974) and Family Assessment Device (Epstein, Bishop, Baldwin, 1983).

✉Corresponding author: Hazrat Zeynab High School, Next to the Bus Terminal, Shireen St., Kermanshah, Iran.
Tel: +98-09188568117
Email: sss.majd@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه و مقایسه باورهای جنسیتی و عملکرد خانواده در دانشجویان کرد و فارس بود. روش تحقیق حاضر همبستگی بود و برای انجام آن از بین جامعه آماری پژوهش (دانشجویان کرد دانشگاه کرمانشاه و فارس دانشگاه شهید بهشتی) تعداد ۲۰۰ نفر از هر قومیت (۱۰۰ دختر و ۱۰۰ پسر) و در کل ۴۰۰ نمونه به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب گردید. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه عملکرد خانواده (ساخته شده توسط اپستین، بالدوین، و بی‌شاب، ۱۹۸۳) و پرسشنامه باورهای جنسیتی (برگرفته از پرسشنامه باورهای جنسیتی بم، ۱۹۷۴) استفاده شد.

✉نویسنده مسئول: کرمانشاه، خیابان شیرین، جنب ترمینال اتوبوسرانی شماره ۱ دبیرستان حضرت زینب (س)
تلفن: ۰۹۱۸۸۵۶۸۱۱۷
پست الکترونیکی: sss.majd@yahoo.com

Mean of scores for family function subscales and gender roles were computed and compared for independent samples. Also Pearson Correlation Coefficient between family function components and gender beliefs were measured. Findings revealed that there was not any significant relationship between gender roles' beliefs and family function in Fars students. In Kourds students, significant relationship between androgynous belief and problem solving factor was found. Also we obtained significant relationship between the absolutely feminine belief and problem solving, affective involvement, affective responsiveness, behavior control, and family general function. Comparison of the family function of Kurdish with Fars indicated significant differences between groups in affective involvement factor. Based on the obtained findings, it can be concluded that national and cultural elements are effective elements that can impact the relationship between gender beliefs and family function. It also can be imagined that Kourds and Fars families are different in affective involvement criterion between their members and showing their interests and sentiments to the other members of the family.

Keywords: Gender beliefs, Family function, ethnicity.

جهت تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی پیرسون و آزمون t برای مقایسه گروه‌های مستقل استفاده گردید. نتایج نشان داد که در دانشجویان فارس بین مؤلفه‌های پرسشنامه باورهای جنسیتی با هیچ یک از مؤلفه‌های پرسشنامه عملکرد خانواده رابطه معناداری وجود ندارد. در دانشجویان کُرد بین باور دوجنسیتی با مؤلفه حل مسئله و همچنین بین مؤلفه کاملاً زنانه با مؤلفه‌های حل مسئله، آمیختگی عاطفی، پاسخگویی عاطفی، کنترل و همچنین با عملکرد کلی رابطه معنادار وجود دارد ($p < 0/05$). مقایسه عملکرد خانواده دانشجویان کُرد و فارس نشان داد که بین این دو گروه در خرده-مقیاس آمیختگی عاطفی تفاوت معنادار وجود دارد ($p < 0/001$). با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت که مسائل قومی و فرهنگی از عوامل تأثیرگذار بر رابطه باورهای جنسیتی و عملکرد خانواده هستند. همین‌طور تصور می‌شود که خانواده‌های کُرد و فارس در میزان آمیزش بین اعضاء و نشان دادن علائق و عواطف خود به دیگر اعضای خانواده با هم تفاوت دارند.

کلیدواژه‌ها: باورهای جنسیتی، عملکرد خانواده، قومیت.

پیش‌بینی کمال‌گرایی بهنجار و نورووتیک دختران توسط ابعاد
کمال‌گرایی مادران و الگوهای ارتباطی خانواده

**Prediction of Normal and Neurotic Perfectionism of Daughters
based on Perfectionism Dimensions of Mothers and Family
Communication Patterns**

L. Hashemi, Ph.D.

دکتر لادن هاشمی ✉

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ارسنجان، گروه روان‌شناسی

M. Latifian, Ph.D.

دکتر مرتضی لطیفیان

دانشیار بخش روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز

دریافت مقاله: ۸۹/۱۰/۱۳

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۱/۱۰/۱۴

پذیرش مقاله: ۹۱/۱۱/۲۱

Abstract

This study examined the developmental origins of perfectionism. As such, the role of mothers' perfectionism and family communication patterns in normal and neurotic perfectionism of daughters was investigated in a group of 200 year 12 high school girls. Participants completed multidimensional perfectionism scale (Frost, Marten, Lahart & Rosenblate, 1990) and family communication patterns (Fitzpatrick & Ritchie, 1994).

✉Corresponding author: Dept. of Psychology, Arsanjan Islamic Azad University, Arsanjan, Iran.
Tel: +9809171197792
Email: ldnhashemi@iaua.ac.ir

چکیده

هدف تحقیق حاضر بررسی نقش کمال‌گرایی مادران و الگوهای ارتباطات خانواده در پیش‌بینی کمال‌گرایی بهنجار و نورووتیک فرزندان است. ۲۰۰ دانش‌آموز دختر مقطع پیش‌دانشگاهی و مادرانشان شرکت‌کنندگان در پژوهش بودند و مقیاس چندبعدی کمال‌گرایی (فراست و همکاران، ۱۹۹۰) و ابزار تجدیدنظر شده الگوی ارتباطات خانواده (فیتزپاتریک و ریچی، ۱۹۹۰) را تکمیل کردند، ابزارها روایی و پایایی مطلوبی نشان دادند.

✉نویسنده مسئول: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ارسنجان، گروه روان‌شناسی، ارسنجان، ایران
تلفن: ۰۹۱۷۱۱۹۷۷۹۲
پست الکترونیکی: ldnhashemi@iaua.ac.ir

Instruments showed good reliability and validity. Findings indicated that normal and neurotic perfectionism of mothers' predicated normal and neurotic perfectionism of daughters. Also, conformity orientation as one dimension of communication patterns positively and significantly predicted neurotic perfectionism in daughters. In general, findings approve transgenerational of perfectionism and indicate that parents' personality characteristics and interactions of family members provide the context for the development of perfectionism that might be neurotic or normal. Other findings have been discussed in research.

Keywords: Developmental Origins, Normal and Neurotic Perfectionism, Family Communication Patterns.


یافته‌ها حاکی از آن بود که کمال‌گرایی نوروتیک و بهنجار مادران به ترتیب قادر به پیش‌بینی کمال‌گرایی نوروتیک و بهنجار دختران می‌باشد. از ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده نیز بعد جهت‌گیری هم‌نواپی، پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار کمال‌گرایی نوروتیک است. در مجموع، یافته‌ها مؤید انتقال بین نسلی کمال‌گرایی می‌باشد که نشان می‌دهد ویژگی‌های شخصیتی والدین و نحوه تعاملات اعضای خانواده به‌ویژه والدین زمینه‌ساز شکل‌گیری ویژگی شخصیتی کمال‌گرایی و تعیین نوع بهنجار یا نوروتیک آن می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: ریشه‌های رشدی، کمال‌گرایی بهنجار، کمال‌گرایی نوروتیک، الگوهای ارتباطی خانواده.

مقایسه و بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و عمل به باورهای دینی با
سازگاری زناشویی در طلاب و دانشجویان

**The Comparison and Relationship between Religious Orientation
and Practical Commitment to Religious Beliefs with Marital
Adjustment in Seminary Scholars and University Students**

R. Rasouli, Ph.D. 

دکتر رویا رسولی 

استادیار گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه الزهراء

S. Soltane gerd faramarz, M.A.

سمیه سلطانی گرد فرامرز

کارشناس ارشد مشاوره

دریافت مقاله: ۸۹/۱۰/۱۳

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۱/۱۱/۱۸


پذیرش مقاله: ۹۱/۱۲/۱


Abstract

Spirituality and faith are powerful aspects of human experience. So, it is important to consider the relation between faith, beliefs, and marriage. The purpose of this study was to compare the relationship between religious orientation and practical commitment to religious beliefs with marital adjustment among seminary scholars and Yazd university students. Research sample consists 200 subjects including 50 student couples and 50 couples of seminary scholars collected via available sampling method from Yazd University and seminary scholars. Research instruments included: 1) Religious Orientation Scale 2) Test of Practical Commitment to

چکیده:

مذهب و ایمان جنبه‌های مهم تجربه بشری هستند. بنابراین اهمیت دارد که به نقش باورهای مذهبی در زندگی زناشویی پرداخته شود. هدف این مطالعه مقایسه و بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و عمل به باورهای دینی با سازگاری زناشویی طلاب و دانشجویان بوده است. طرح این پژوهش علی - مقایسه‌ای بوده و آزمودنی‌ها شامل ۲۰۰ نفر (۵۰ زوج دانشجوی و ۵۰ زوج طلبه) بودند که با نمونه‌گیری در دسترس از دانشجویان دانشگاه یزد و مدارس علمیه یزد انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش، مقیاس جهت‌گیری مذهبی بهرامی، پرسشنامه معبد و سازگاری زناشویی (DAS) است.

Corresponding author: Dept. Faculty of Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran.
Tel: +9809127179079
Email: r_rasooli5@yahoo.com

نویسنده مسئول: تهران، ده ونک، دانشگاه الزهراء، دانشکده روانشناسی، گروه مشاوره
تلفن: ۰۹۱۲۷۱۷۹۰۷۹
پست الکترونیکی: r_rasooli5@yahoo.com

Religious Beliefs, and 3) Dyadic Adjustment Scale. Correlation analyses showed that a relationship between religious orientation and marital adjustment. Marital adjustment has positive correlation with religiosity and negatively associated with unconstructed religiosity. Also there was a relationship between practical commitments to religious beliefs with marital adjustment in the groups. Relationship between practical commitments to religious beliefs with marital adjustment was higher than relationship between religious orientation and marital adjustment. the results of independent T-test analysis, showed significant differences between university students and seminary scholars in terms of religious orientation, practical commitment to religious beliefs and marital adjustment. Also, practical commitment to religious beliefs, marital adjustment and religious orientation in seminary scholars were higher than students. Marital adjustment in seminary scholars was higher than students due to marital satisfaction because religious persons have faith beliefs. We conclude that faith beliefs impact marital satisfaction, marital adjustment conflict solving, and forgiveness. Negative beliefs about divorce and the believe that god supports marriage, may explain the relationship between commitment to religious beliefs and marital adjustment.

Keywords: Religious orientation, Practical Commitment to Religious, Marital adjustment, seminary scholars, university students.

داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری همبستگی و t مستقل تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان دادند بین جهت‌گیری مذهبی و سازگاری زناشویی رابطه وجود دارد. سازگاری زناشویی با مذهب‌گرایی، همبستگی مثبت و با سازمان‌نیافتگی مذهبی، همبستگی منفی دارد. بین عمل به باورهای دینی و سازگاری زناشویی در هر دو گروه رابطه وجود دارد. همبستگی عمل به باورهای مذهبی با سازگاری زناشویی، بیشتر از همبستگی جهت‌گیری مذهبی با سازگاری زناشویی است. طلاب نسبت به دانشجویان از جهت‌گیری مذهبی، عمل به باورهای دینی و سازگاری زناشویی بالاتری برخوردارند و این سازگاری به دلیل داشتن توافق و ابراز محبت بالاتر از گروه دانشجویان نیست بلکه به دلیل رضایتمندی زناشویی بیشتر است. در نتیجه افراد مذهبی به دلیل باورهای مذهبی از رضایتمندی زناشویی و سازگاری بالاتری برخوردار هستند. همچنین اعمال و باورهای مذهبی در افزایش رضایتمندی و سازگاری زناشویی، فرایند حل تعارض و گذشت و بخشندگی تأثیر دارند. همبستگی مثبت عمل به باورهای مذهبی، از طریق باورهای ضد طلاق و باور به این که خدا حامی زناشویی است توجیه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: جهت‌گیری مذهبی، عمل به باورهای دینی، سازگاری زناشویی، دانشجویان، طلاب

پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و
خودمتمایزسازی

**Predicting Marital Satisfaction on the Basis of Attachment Styles
and Differentiation of Self**

A. Teimoori Asfichi, M.A. ✉

M. Qolamali Lavasani, Ph.D.

A. R. Bakhshayesh, Ph.D.

علی تیموری آسفیچی ✉

کارشناس ارشد مشاوره خانواده

دکتر مسعود غلامعلی لواسانی

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

دکتر علیرضا بخشایش

عضو هیأت علمی دانشگاه یزد

دریافت مقاله: ۹۰/۱۰/۱۷

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۱/۱۱/۱۶

پذیرش مقاله: ۹۱/۱۲/۱۸

Abstract

The purpose of this research was to study the association between adult attachment styles and self differentiation with marital satisfaction. Using cluster sampling, 209 married students (110 male & 99 female) of Tehran University were randomly selected. The data were collected using three Questionnaires: The adult attachment style scale (Colins & Read 1990), differentiation of self inventory (Skowron & Smith, 2003), and Enrich marital satisfaction scale.

✉Corresponding author: faculty of psychology, Tehran university
Tel: +9809132501005
Email: teimoori.28sh@gmail.com

چکیده:

هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی بزرگسال و تمایزافتگی با رضایت زناشویی بود. ۲۰۹ دانشجوی متأهل تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران به صورت نمونه‌گیری خوشه-ای تصادفی انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها شامل سه پرسشنامه بود: پرسشنامه سبک‌های دلبستگی بزرگسال کولینز و رید (۱۹۹۰)، پرسشنامه خودمتمایزسازی (اسکورون و اسمیت، ۲۰۰۳) و پرسشنامه رضایت زناشویی اینریش.

✉نویسنده مسئول: تهران، بزرگراه آل احمد، جنب پل گیشا، دانشکده روان‌شناسی دانشگاه تهران، طبقه سوم
تلفن: ۰۹۱۳۲۵۰۱۰۰۵
پست الکترونیکی: teimoori.28sh@gmail.com

Pearson correlation coefficient, t-test, analysis of variance and hierarchical regression analysis (stepwise) were applied to analyze the data. Results indicated that students who had secure attachment style, were significantly higher on marital satisfaction than those with avoidant and anxious styles. It was found that there is a positive significant correlation between self differentiation and marital satisfaction and there was no difference between men and women on self differentiation but men had a higher marital satisfaction than women. It was also observed that more secure attachment is associated with higher self differentiation. In addition, results showed that I- position, emotional cutoff, emotional reaction, dependency and gender variables are the best predictors of marital satisfaction accounting for 52.7% of variance. The research emphasizes on the importance of experiences at original family in shaping the subsequent intimate relationships and marital satisfaction.

Keywords: self differentiation, attachment style, marital satisfaction.

تحلیل داده‌ها از طریق آزمون t، تحلیل واریانس، همبستگی و تحلیل رگرسیون انجام شد. نتایج نشان داد افرادی که سبک دلبستگی ایمن داشتند دارای رضایت زناشویی بالاتری نسبت به افرادی با سبک دلبستگی اجتنابی و اضطرابی بودند. همچنین افرادی که میزان تمایز یافتگی آن‌ها بالا بود، رضایت زناشویی بیشتری احساس می‌کردند. بین زنان و مردان از لحاظ تمایز یافتگی تفاوتی وجود نداشت اما میزان رضایت زناشویی در مردان بیشتر از زنان بود. افرادی که سبک دلبستگی ایمن داشتند از میزان تمایز یافتگی بیشتری برخوردار بودند و در نهایت مشخص شد که پنج متغیر موقعیت من، گسلس عاطفی، امتزاج با دیگران، وابستگی و جنسیت، توانایی پیش‌بینی ۵۲/۷ درصد واریانس رضایت زناشویی را دارند. نتایج این پژوهش بر تجارب افراد در خانواده اصلی و اهمیتی که این تجارب در شکل‌دهی روابط صمیمی بعدی و رضایت زناشویی دارند، تأکید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: خودتمایزسازی، سبک‌های دلبستگی، رضایت زناشویی

بررسی اثربخشی زوج‌درمانی هیجان‌مدار و زوج‌درمانی سیستمی تلفیقی
بر کاهش اضطراب صمیمیت زوجها

**A Study On the Effectiveness of Emotionally Focused Couple Therapy
and Integrated Systemic Couple Therapy on reducing Intimacy Anxiety**

H. Falahzade, Ph.D. ✉

B. Sanai Zaker, Ph.D.

V. Farzad, Ph.D.

دکتر هاجر فلاح‌زاده ✉

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر باقر ثنایی ذاکر

عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم

دکتر ولی‌اله فرزاد

عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم

دریافت مقاله: ۹۰/۴/۱۳

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۱/۱۰/۱

پذیرش مقاله: ۹۱/۱۱/۵

Abstract

This study examined the effectiveness of emotionally focused couple therapy (EFT) and integrated systemic couple therapy (IST) on resolving intimacy anxiety. For this purpose, 30 couples were randomly selected and based on their pretests were assigned into two experimental and one control groups. Research instruments were Fear of Intimacy Scale (FIS) (Descutner & Thelen), and The

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی زوج‌درمانی هیجان‌مدار و زوج‌درمانی سیستمی تلفیقی بر کاهش اضطراب صمیمیت زوجها صورت گرفته است. نمونه شامل ۳۰ زوج داوطلب شرکت در مطالعه بود، که به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و یک گروه کنترل جای گرفتند. هر سه گروه به مقیاس سازگاری زناشویی (DAS) به‌عنوان پیش‌آزمون جهت غربال‌گری، و مقیاس ترس از صمیمیت (FIS) به‌عنوان پیش‌آزمون،

✉ Corresponding author: Shahid Beheshti University, Evin, Tehran, Iran
Tel: +9802129902459
Email: falahzade@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: اوین، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی
تلفن: ۲۹۹۰۲۴۵۹
پست‌الکترونیکی: falahzade@yahoo.com

Dyadic Adjustment Scale (DAS) (Spanier, 1976).

A Nine-session of EFT was conducted for one experiment group and eight sessions of IST for the other. The control group did not receive any treatment. These three groups completed post test at the end of the experiment, and follow-up test 3 months later. Results indicated that EFT and IST significantly decreased intimacy anxiety in couples, and the treatment effect was consistent after 3 months follow-up.

Keywords: Emotionally Focused Couple Therapy, Integrated Systemic Couple Therapy, intimacy anxiety.

پس‌آزمون و آزمون پیگیری پاسخ دادند و نتایج آن با استفاده از تحلیل واریانس کورت‌های تقسیم شده^۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. هم‌چنین برای تعیین تفاوت بین میانگین‌ها از آزمون تعقیبی بوون فرونی استفاده شد. نتایج نشان‌دهنده تفاوت معنادار بین تأثیر هر دو روش زوج‌درمانی هیجان‌مدار و زوج‌درمانی سیستمی‌تلفیقی بر کاهش اضطراب صمیمیت در مقایسه با گروه کنترل بود؛ اما بین این دو روش درمانی تفاوت معناداری یافت نشد. هم‌چنین نتایج نشان‌دهنده پایدار بودن اثر درمان بعد از گذشت ۳ ماه بود.

کلیدواژه‌ها: زوج‌درمانی هیجان‌مدار، زوج‌درمانی سیستمی‌تلفیقی، اضطراب صمیمیت

شناسایی همبسته‌های اجتماعی میزان و دلایل موافقت یا مخالفت با ازدواج موقت

A Study on the Social Correlates of Degree and Reasons of Agreement or Disagreement with Temporary Marriage

M. E. Riahi, Ph.D. ✉

✉ دکتر محمد اسماعیل ریاحی

استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران

دریافت مقاله: ۹۰/۷/۲۹

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۱/۹/۲۸

پذیرش مقاله: ۹۱/۱۰/۵

Abstract

The present study seeks to describe the degree and reasons of agreement or disagreement with advancement and doing Temporary Marriage (TM), as well as to explore the association between socio-demographic variables and agreement or disagreement with TM. The universe of study was all of 18-49 years old men and women who were residents of Babol and Babolsar cities in the Mazandaran Province. The subjects of the study were 336 respondents who have been selected on the basis of availability sampling method.

✉Corresponding Author: Dept. of Social Sciences- Faculty of Humanities- University of Mazandaran- Babolsar
Tel: +9801125342654
Email: m.riahi@umz.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر توصیف میزان و دلایل موافقت یا مخالفت با ازدواج موقت، و نیز کشف همبستگی بین میزان این موافقت یا مخالفت با برخی عوامل اجتماعی - جمعیتی آن است. این پژوهش در قالب یک تحقیق توصیفی و اکتشافی با روش پیمایش انجام شده و جامعه آماری آن، جمعیت ۱۸-۴۹ ساله شهرهای بابل و بابلسر بوده است که تعداد ۳۳۶ نفر از آنان، از طریق شیوه نمونه گیری در دسترس، به‌عنوان نمونه انتخاب گردیدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است.

✉ نویسنده مسئول: بابلسر، خیابان شهید بهشتی، پردیس دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی
تلفن: ۰۱۱۲۵۳۴۲۶۵۴
پست الکترونیکی: m.riahi@umz.ac.ir

This descriptive study is conducted via survey method and data has been collected through self-administered questionnaire.

Descriptive findings of the study show that only 9.4 percent of respondents were agree with advancement of TM as a solution for marriage problem of youth in Iran. Furthermore, 26.5 percent of them were inclining to doing TM personally, as opposed to 58.3 percent who were not inclined. The most important reasons for agreement with advancement of TM were helping to; prevention of sexual deviance, decreasing financial pressures on youth and achieving more knowledge about future mate by them for doing permanent marriage. But, abuse of women by men, weakening the foundations of family, and advancement of sexual deviance were the most important disagreement reasons. Moreover, analytical findings show that men, employees, and high income individuals had more inclination for doing TM. It seems that there is a gap between religious purposes of TM with social acceptance of it by social agents.

Keywords: Marriage, Family, Temporary Marriage, Sigheh, Mut'ah.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سهم موافقان و مخالفان ترویج ازدواج موقت به‌عنوان راه‌حل مشکل ازدواج جوانان در جامعه، به ترتیب ۹/۴ و ۵۷/۴ درصد بوده است.

هم‌چنین، ۲۶/۵ درصد از پاسخگویان در صورت فراهم بودن شرایط، تمایل به انجام ازدواج موقت داشته، در حالی که ۵۸/۳ درصد متمایل به این امر نبوده‌اند. مهم‌ترین دلایل این مسئله عبارتند از: جلوگیری از انحراف جنسی، کمک به کاهش فشارهای مالی بر جوانان و کسب شناخت بیشتر برای ازدواج دائم؛ در حالی که سوءاستفاده مردان، سست شدن پایه‌های خانواده، و ترویج فساد جنسی به‌عنوان مهم‌ترین دلایل مخالفت ذکر شده است. در مجموع، یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که ازدواج موقت عمده‌تاً توسط مردان شاغل دارای درآمد بالا مورد استقبال قرار گرفته است؛ ضمن این که تفاوتی از این لحاظ بین جوانان با میانسالان و سالمندان، و مجردین با متأهلین مشاهده نمی‌شود. می‌توان چنین نتیجه گرفت که بین هدف دینی از طرح ازدواج موقت در جامعه، با کاربرد اجتماعی آن و میزان اقبال عمومی نسبت به آن شکافی وجود دارد که شاید به آسانی ترمیم‌پذیر نباشد.

کلیدواژه‌ها: ازدواج، خانواده، ازدواج موقت، صیغه، متعه